



A Contemplation on the Transformation of Houses in Kafshgiri Village

Nooshin Alipour¹ | Mohsen Sartipipour² | SeyyedMohammad Beheshti³

1. Graduate of Master of Architecture Studies of Iran, Shahid Beheshti University. Nooshin.alipour1367@gmail.com

1. Professor, Shahid Beheshti University. m-sartipi@sbu.ac.ir

2. Visiting Professor, Shahid Beheshti University. sabnegpar@gmail.com

Article Info:

Article type:
Research Article

history:
Received:
2024/2/1

Received:
2024/4/8

Accepted:
2024/6/7

Published:
2024/8/5

Keywords:

House, Kafshgiri
Village, Rural Life,
Rural
Architecture,
Traditional
Architecture.

Abstract: This research aims to describe the alterations in house forms in Kafshgiri. Initially, the traditional house form, which signifies the interaction between humans and their environment, is examined in depth. The second step involves describing the new house form and subsequently deliberating on the alterations observed. On one hand, this article seeks to outline the meaningful changes in rural houses; on the other hand, it aims to explore the possible reasons behind these changes. This research is fundamental in its aims and descriptive in its nature. The necessary information was gathered through observations of both traditional and new houses in the village. Additionally, insights were obtained by consulting elder residents, artisans, and examining travelogues, maps, and other geographical data. In Kafshgiri village, located in a plain and humid climate, we encounter long buildings with two or three rooms arranged in a single axis across two floors. The main structural components of these houses include the foundation, load-bearing walls made of mudbricks or bricks, timber bars (Naal), wooden piles (Palvar), and a tiled roof. The interaction of two load-bearing systems—load-bearing walls and the frames of timber bars and pillars on the porch—constitutes the most important principle of these structures. The walls support the weight of the structure, while the truss of the roof transmits the ceiling's weight through the columns. The roof is sloped and covered with tiles, with balconies on the north, south, and east sides. The new house type in Kafshgiri is typically arranged on one floor with three rooms. The long traditional veranda has been replaced with a small portal space to delineate other areas at the entrance. Timber beams (Naal) are used in the load-bearing walls, although steel beams are employed in a few cases. A wooden truss is positioned atop these beams, and the roof surface is made of metal sheets. Doors and windows are larger than their traditional counterparts and, in some instances, feature metal frames. Several reasons for the alterations in these houses stem from changes in attitudes and lifestyles. Factors such as shifts in family traditions, the introduction of new essentials, the outcomes of land reforms, and the interplay between urban and rural dynamics contribute to these transformations.

Cite this article: Alipour, N. Sartipipour, M. Beheshti, S (2024) A Contemplation on the Transformation of Houses in Kafshgiri Village, *Architectural & Environmental Research* 2(2), 291-321. <https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2027056.1156>

© The Author(s).

Homepage: jaer.znu.ac.ir

Publisher: University of Zanjan





تأملی بر دگرگونی های کالبدی خانه در روستای کفشگیری

نوشین علی پور^۱ | محسن سرتیپی پور^۲ | سیدمحمد بهشتی^۳

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی. Nooshin.alipour1367@gmail.com

۲. استاد دانشگاه شهید بهشتی. m-sartipi@sbu.ac.ir

۳. استاد مدعو دانشگاه شهید بهشتی. sabnegpar@gmail.com

اطلاعات مقاله:

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ ها:

دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲

بازنگری: ۱۴۰۳/۱/۲۰

پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۸

انتشار: ۱۴۰۳/۵/۱۵

واژگان کلیدی:

خانه، کفشگیری،

زندگی روستایی،

معماری روستایی،

معماری سنتی.

چکیده: تحقیق حاضر تلاشی است در راستای توصیف دگرگونی های کالبد خانه های روستای کفشگیری. در بادی امر تعمق در شکل سستی خانه مدنظر بوده که خود حاکی از تعامل انسان با محیط است. در مرحله بعد، توصیف شکل جدید خانه و از این رهگذر، تأمل در این تغییرات و چگونگی پدید آمدنشان پی گرفته شده است. هدف این مقاله اولاً تشریح تفاوت های معنادر ایجاد شده در خانه های روستا و ثانیاً جست و جویی به دنبال کشف علت های احتمالی این تغییرات است. این تحقیق بر مبنای هدف بنیادی و بر اساس ماهیت توصیفی است. این توصیف از وجهی میدانی است؛ بر مبنای مشاهده آثار باقی مانده و از وجهی دیگر، تاریخی است که بر مبنای پرسش از محفوظات استادکاران (مصاحبه نیمه ساخت یافته) اسناد و مدارک کتابخانه ای (سفرنامه ها و سایر اطلاعات جغرافیایی) اطلاعاتی به دست آمده است. مشاهده خانه های سنتی شباهت های بسیاری را نشان می دهد؛ به لحاظ صوری و نیز فنون سازهای. خانه سنتی بنایی کشیده است که مجموعه اتاق ها بر روی یک محور و در دوطبقه قرار می گرفته است. بنا از زمین فاصله گرفته و بام شیب دار است. اجزای اصلی خانه چنین بوده است: پی، کرسی چینی، دیوار باربر خشتی یا آجری، نال، پلور، هلا، کالپا، ستون های چوبی روی ایوان و بام سفالی. تعامل دو نظام باربر (دیوار باربر و قاب تیر و ستون روی ایوان) سازه بنا را تشکیل می داده است. خانه های جدید در یک طبقه و بر روی کرسی چینی ساخته می شود. نقشه بنا سه اتاق را در خود جای داده، اما ایوان سراسری نمونه های سنتی تبدیل به فضای کوچکی شده که به منزله محل مکث و تقسیم ورودی به کار می رود. دیوار باربر است و بر روی آن از چوب به عنوان کلاف افقی استفاده می شود. خرپای سقف هم چوبی و پوشش بام از ورق حلبی است. درها و پنجره ها از نمونه های سنتی بزرگ تر است و در مواردی چهارچوبی فلزی دارد. در نمونه های معدودی از طاق ضربی استفاده شده است. برخی از علت های پدید آمدن این دگرگونی ها را می توان در تغییر نحوه تفکر و زیست روستائیان جست و جو کرد. عواملی چون تغییر شکل خانواده و بروز نیازهای جدید، تبعات تغییرات نظم کشاورزی پس از اصلاحات ارضی و تقابل دو گانه شهر - روستا را می توان از جمله این عوامل دانست.

استناد: علی پور، نوشین، سرتیپی پور، محسن، بهشتی، سیدمحمد (۱۴۰۳). تأملی بر دگرگونی های کالبدی خانه در روستای کفشگیری. پژوهش های معماری و محیط ۲۴۷ (۲۴): ۳۲۱-۳۲۸

<https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2027056.1156>

© نویسندگان .

ناشر: دانشگاه زنجان.

DOI: <https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2027056.1156>

Homepage: jaer.znu.ac.ir



مقدمه

معماری چونان زبان و خوراک و پوشاک افزوده بشر به جهان طبیعی است و از این حیث بر فرهنگ که آن را مجموعه آداب و عقاید آدمی می‌دانیم، مظهریت دارد (قیومی، ۱۳۹۳). از این رو، بررسی مصادیق معماری و نسبت آن با فرهنگ و آیین‌های جاری واجد ارزش و اهمیت است. خانه یکی از این مصداق‌هاست: افزوده بشر به طبیعت برای سکونت دائم. تلاش نگارندگان در مرحله اول تعمق در شکل سنتی خانه در کفشگیری بوده که خود حاکی از معادلات تعامل انسان با محیط است؛ چرا که خانه‌های روستا آینه مسائل مبتلابه روستاییان از یک سو و منابع در اختیارشان از سوی دیگر است. در مرحله بعد، توصیف شکل جدید خانه در کفشگیری و از این رهگذر، تأمل در تغییرات خانه و چگونگی پدید آمدن آنها ممد نظر بوده است. مبنای تفکیک خانه‌های کفشگیری در دوره سنتی و جدید، تغییری است که در کالبد خانه‌ها نمایان است. هدف این پژوهش تشریح تفاوت‌های معنادار

ایجادشده در خانه‌های روستا و سپس جست‌وجویی به دنبال کشف علت‌های احتمالی این تغییرهاست. تغییرات کالبدی (و شاید محتوایی) خانه، پدیده‌ای است که نه تنها در کفشگیری که چندی است در بسیاری از روستاهای حاشیه خزر چشمگیر است و شکل سنتی خانه را به حاشیه رانده است. این موضوع خصوصاً از آن رو مهم است که هر چند با گذر زمان فنون ساختمانی تغییر می‌کند، ولیکن مختصات روستا تغییر چندانی نیافته و همچنان تداوم سکونت در روستا اشراف بر آن دانایی و تجربه‌ای را اقتضا می‌کند که به روزگاران و در نتیجه تعامل روستائیان با محیط پیرامون پدید آمده بود. یعنی همان چیزی که به نظر می‌رسد در صورت تازه خانه در روستاها مغفول مانده یا اعتبارش را نزد روستائیان ازدست داده است.

پرسش‌های تحقیق

۱. کالبد خانه سنتی در روستای کفشگیری چگونه بوده و خانه امروز آن چه ساختاری دارد؟
۲. چه تغییراتی را در خانه اهالی این

روستا می‌توان مشاهده کرد؟

۳. چه علت‌هایی را می‌توان به این تغییرها نسبت داد؟

پیشینه تحقیق

صیدایی و قاسمیان در «بررسی روند تغییرات کارکردی خانه‌های روستایی؛ نمونه موردی: روستای گرجی محله بهشهر» دگرگونی در خانه‌ها را در روستایی در شرق مازندران را بررسی کرده‌اند. ایشان معتقدند به علت از دست رفتن کارکرد تولیدی روستا، خزش به‌سوی شهر، رشد جمعیت و ارتباطات نوین (که ارزش‌های جدیدی را پدید آورده)، شیوه زیست در روستا تغییر کرده و همین بر شکل خانه روستایی تأثیر داشته است.

محمدهادی منصوری و طاهره جعفری در «بررسی مردم‌شناختی تغییرات فرهنگی مسکن در کجور استان مازندران (مطالعه موردی روستای لرگان)» در پژوهشی مردم‌شناسانه به تغییراتی پرداخته‌اند که در اثر گسترش وسایل ارتباط جمعی و نیز تعامل روستائیان با شهر از ابتدای سال ۵۸ شمسی پدید آمده است.

نگارندگان مسکن روستای لرگان را در سه گونه سنتی (معروف به کله‌چو)، مسکن دوره گذار یا منازل نیمه سنتی و مسکن جدید از هم تفکیک کرده‌اند. این پژوهش بر نقش رابطه روستا و شهر و نیز پیدایش نیازهای جدید در تحول خانه تأکید داشته است.

یوسف قنبری در «تحلیلی بر تغییر الگوی مسکن شمال ایران، نمونه موردی شهرستان تنکابن» به تغییر ایجاد شده در روش‌های ساخت خانه در روستاهای مازندران پرداخته و معتقد است به علت نامعقول دانسته شدن مصالح بومی از جمله چوب و سنگ امروز از مصالح نوین مانند تیر آهن استفاده می‌شود. مساحت خانه‌ها نیز در مقایسه با نمونه‌های سنتی، کاهش یافته است. وی معتقد است تغییر هویت اهالی ناشی از تغییر در الگوی مسکن است.

عیسی حجت در «تأثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران» دگرگونی‌های پدیدآمده در روستاها را پس از حذف نظام زمین‌داری سنتی بررسی کرده و نشان داده فضاهای شبه

نمونه‌هایی از خانه جدید در روستا توصیف و تفاوت‌های آنها بررسی شده است.

غریب فاضل‌نیا و احمد تقدیسی و معصومه ملانوروزی در «بررسی تأثیر تغییرات الگوی مسکن در روستا-شهرها، مطالعه موردی روستا-شهر محمدآباد شهرستان زابل»، الگوهای سنتی و جدید در طرح و نظام سازه و نیز در ابزار و مصالح را بررسی کرده‌اند. نگارندگان معتقدند تغییر الگوی ساخت مسکن بر افزایش کیفیت ابنیه مؤثر بوده است. تاکنون تحقیقی درباره تغییر کالبد و روش ساخت خانه در کفشگیری انجام نشده و باتوجه به جریان سریع بی‌بازگشت تغییرات و فرسودگی نمونه‌های سنتی، نیاز است چنین بررسی‌هایی صورت گیرد.

مبانی نظری تحقیق

خانه، اولین محمل مواجهه آدمی با معماری و یا به عبارتی فضای مصنوع، است؛ گویی خانه نخستین و بنیادی‌ترین سطح تماس آدمی با جهان است (سرتیپی پور، ۱۳۹۰). خانه یا مسکن

شهری در روستاها گسترش یافته و ورود ابزار و مصالح نوین، شکل روستا را تغییر داده و در نهایت روستا را به شهر وابسته کرده است. پژوهش حجت از منظر توجه به تغییرات سیمای روستا و نیز کوشش در علت‌یابی این تغییرات نیای پژوهش حاضر است.

برومبرژه در مسکن و معماری، بررسی‌هایی در خصوص خانه‌های حاشیه خزر انجام داده و به علت شرایط اقلیمی نسبتاً مشابه، نزدیکی‌هایی در کاربرد مواد و مصالح و فنون ساخت در این مناطق یافته است. وی به تغییرات پدیدآمده در کالبد و روش ساخت خانه در دهه‌های اخیر توجه کرده است.

اباصلت عسگری رابری و شهاب عباس‌زاده و علی‌اصغر آبرون در «ارزیابی تغییرات ساختاری مسکن و عرصه حیات در روستاها (مطالعه موردی: روستای ریاب- خراسان رضوی)» سه دسته تغییر شامل تغییرات در سازمان فضایی، عناصر کالبدی و نقش کارکردی مسکن را در روستای ریاب بررسی کرده‌اند. در این تحقیق، نمونه‌هایی از خانه بومی-سنتی و

آنجایی است که باید در آن احساس آرامش کنیم. لیکن معمولاً در معنای آرامش چندان تأمل نمی‌کنیم، خصوصاً امروز که با روند روبه‌رشد توانایی‌های فنی، اگر چه در خانه‌هایی با سطوح آسایش بالا زندگی می‌کنیم؛ اما در حصول آرامش چندان موفق نیستیم (بهشتی، ۱۳۹۵). طرفه آنکه عموم ما وقتی سخن از آرامش به میان می‌آید مناظر و خانه‌های روستایی در ذهنمان تداعی می‌شود. پنداری احساس می‌کنیم آرامش و نتیجتاً مفهوم «سکونت» که نسبت وثیقی با «بستگی به مکان» (بهشتی، ۱۳۹۵) دارد با زندگی روستایی قرابت بیشتری دارد. به همین علت در این تحقیق نمونه‌های روستایی‌ای برای بررسی انتخاب شد که به نظر می‌رسد این کیفیت در آنها بیشتر متجلی است.

اگرچه در دهه‌های اخیر موج وسیع مهاجرت از روستا به شهر از قوت زندگی روستایی کاسته و شهرها بزرگ‌تر و پرجمعیت‌تر شده، لیکن در معدود نواحی‌ای همچون مازندران پنداری

زندگی روستایی کم‌وبیش به قوت خود باقی است.^۱ به نظر می‌رسد بر مبنای ساز کار اقتصادی مناطق حاشیه خزر که عمدتاً بر پایه زمین و از طریق کشاورزی است (روستا از ریشه رستن و رویدن) (سرتیپی‌پور، ۱۳۹۰)، نحوی از شیوه زیست که حضور پررنگی دارد همچنان روستایی است.

اگر خانه بنیادی‌ترین سطح تماس آدمی با جهان است و چنین پیوندهای عمیقی با حیات آدمی دارد، پس از وجوه گوناگون شایسته تأمل و بررسی است. بر همین اساس است که رویکردهای متنوعی به مسئله «خانه» در میان دانشوران وجود داشته و هر یک از این محققان خانه آدمی را از حیثی که التفات آنان را برانگیخته کاویده‌اند؛ نگاه پدیدارشناسانه گاستون باشلار به خانه و زندگی خانگی یا آرای متأثر از مطالعات فرهنگی نزد ایمس راپاپورت در شمار همین رویکردهاست. در تحقیق حاضر اما، وجهی از خانه‌های روستایی بررسی شده که مبتنی بر کالبد بنا (مجموعه طرح

معماری، نظام سازه‌ای و مواد و مصالح) بوده است. در واقع، تحولات کالبدی در یک دوره تاریخی بررسی شده است. وقتی سخن از تحول است، نشانی از یک بحث تاریخی را با خود دارد. راهبرد موردنظر نگارندگان نیز از این حیث، راهبردی تاریخی است تا بر مبنای آن به این پرسش پاسخ داده شود که خانه‌های روستای کفشگیری در گذشته چه کالبدی داشته و اکنون این خانه در چه قالبی متجسد می‌شود و سیر تطور خانه‌ها در گذر زمان چگونه بوده است. چرا که کنار هم قرار دادن این دو گونه از کالبد خانه، به نحوی می‌تواند از تحولات رخ داده در قالب معماری سخن بگوید، چنان که بتوان از عوامل مسبب آن پرسید. البته از الزامات چنین پژوهشی مواجهه با ذهنیت ساکنین خانه و نحوه زیست اهالی است. بدین ترتیب پرسش‌ها دامنه‌ای وسیع‌تر یافته و کنجکاوی را به‌سوی تأمل در علت‌های

پدید آمدن این تحولات سوق می‌دهد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق بر مبنای هدف بنیادی و بر اساس ماهیت توصیفی^۱ است. در این تحقیق مقصود از توصیف از وجهی میدانی و تحلیلی است که بر مبنای مشاهده آثار باقی‌مانده انجام شده و از وجهی دیگر، این توصیف تاریخی است؛ یعنی بر مبنای پرسش از محفوظات استادکاران و اهالی روستا (مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته) اسناد و مدارک کتابخانه‌ای (سفرنامه‌ها و نقشه‌ها و سایر اطلاعات جغرافیایی) شواهدی به‌دست آمده است.

محدوده تحقیق

از میان روستاهای اطراف گرگان (استرآباد دوره قاجاریه)، پژوهش به روستای کفشگیری محدود شده است. استرآباد^۲ از ولایات مهم دوره قاجاریه بوده که به ۸ ناحیه تقسیم می‌شده؛ اتران، سدن رستاق، استرآباد،

1 Descriptive Strategies

۲. تقریباً مطابق بر محدوده استان گلستان فعلی است. از تاریخ ۱۳۷۶ شمسی، بخش شرقی استان مازندران از آن جدا و به عنوان یک استان مستقل و به مرکزیت گرگان در تقسیمات کشوری مطرح شد. اگر چه که در این استان تنوع فرهنگی

بسیاری را شاهدیم اما همچنان در بخش‌های غربی استان می‌توان فرهنگ مازندرانی را دید و از قضا این مسئله خود شواهدی است بر بی‌اعتبار بودن تقسیم‌بندی‌های صرفاً قراردادی سیاسی.

شاهکونین و ساور، دهات ملک، کتول، فندرسک، رامیان و کوهسار. ناحیه‌ای که برای این پژوهش برگزیدیم، ناحیه استرآباد است که شامل شهر استرآباد هم می‌شده است. نام این شهر در سال ۱۳۱۶ شمسی به گزرگان تغییر یافت. درباره نحوه ساخت استرآباد و تاریخ آن، آرای مختلفی وجود دارد. برخی از محققان شهر استرآباد را ساخته خشایار شاه می‌دانند. آنها بر این باورند که خشایار شاه این شهر را به یادبود همسرش استر که برادرزاده مردخای یهودی بود ساخته است. «تورات نام این زن را «هدسه» ذکر کرده است. ولی نام استر را خشایار بر وی نهاد که معنی آن به پارسی هخامنشی ستاره است. وی شهر استارآباد (ستاره‌آباد) را به یادبود این زن بنا کرد.»^۱ در شاهنامه نیز از این شهر یاد شده است: «آن‌گاه از ترس گیو، گودرز به گزرگان آمد و آن شهر را به مساحت چهار فرسخ بنا نهاد. مدتی بعد به استرآباد (گزرگان فعلی) آمد و آنجا را نیز بنا کرد.»^۲

ابن اسفندیار نیز به ماجرای ساخته شدن

این شهر پرداخته و معتقد است گزرگان را گرگین میلاد بنیاد افکند که تخت‌گاه مرزبانان طبرستان آنجا بود. «چون گرگین مقام آنجا ساخت خربندگان او به چراخور به استرآباد آمدند و مقام و خانه ساخته، به طول مدت عمارت زیادت می‌شد، استرآباد نام نهادند.»^۳

در کتاب *نخبه سیفیه* هم به ماجرای ساخت این شهر اشاره شده است. «بنای این شهر، قدیم و لفظش مرکب است از دو کلمه «استر» و «آباد». استر مخفف ستاره که به معنی کواکب و آباد به معنی عمارت است. صاحب تقویم البلدان نقل کرده که این شهر را استارآباد هم گویند.»^۴ در دوران اسلامی نیز نقش دفاعی این منطقه حائز اهمیت بوده است. به نوشته سترینج: «... در این دوران رُدر سال ۳۶۰ ق (۹۷۰ م) { استرآباد دژی محکم بود که آل بویه در جنگ‌های متعدد با آل زیار آن را خراب کرده بودند.»^۵

در جست‌وجوی اصالت تاریخی سکونت‌گاه‌های تابع استرآباد کهن (گزرگان امروزی) بودیم؛ چون در این تحقیق به دنبال

۱. معطوفی، اسدالله. پیشینه شهر تاریخی جرجان. ص ۲۹

۲. همان، ص ۶۷

۳. همان

۴. قورخانچی، محمدعلی. *نخبه سیفیه*. ص ۱۴

۵. معطوفی، اسدالله. پیشینه شهر تاریخی جرجان. ص ۱۱۷

خانه‌های تاریخی‌ای بودیم که به روش‌های سنتی ساخته شده باشند. از روستاهای تابع این محدوده، این موارد را بررسی کردیم (ت. ۱): نصرآباد، قرن‌آباد، آهنگر محله، کفشگیری، سرخنکلاته، سیدمیران و زیارت. از این میان، زیارت به سبب قرار گرفتن در تراز ارتفاعی بالاتر و نیز تحولات بنیادی بافت روستا، از مشاهدات حذف شد. سایر روستاها نیز بناهای واجد ارزش تاریخی خود را از دست داده بودند؛ تغییرات زیادی در آنها رخ داده بود و یاب به کلی تخریب شده بودند. به همین علت کفشگیری را از میان باقی روستاها برگزیدیم. چرا که بافت تاریخی آن نسبتاً سالم باقی مانده بود و نیز سکونت در این خانه‌های تاریخی جریان داشت، می‌توانستیم با اهالی صحبت کنیم و نیز در میانشان به دنبال استادکار

بگردیم.

علاوه بر آن، روستای کفشگیری ویژگی منحصر به فرد دیگری هم داشت که انتخاب آن را موجه می‌کرد؛ با توجه به شواهد موجود این روستا اقامتگاه موقت سردار رفیع یانه‌سری، والی استرآباد در دوره قاجاریان، بوده است. از این منظر روستا اگر ادعا کنیم که روستای کفشگیری از حیث اهمیت، قدمت و ارزش تاریخی واجد توجه است. این خانه نقشه‌ای الشکل دارد که بال آن افزوده پهلوی است. گویا طرح اولیه خانه مستطیل شکل با سه اتاق و در یک آشکوب بوده است. از این رو، دشوار بتوان آن را نمونه‌ای تمام‌عیار از معماری خانه‌های قاجاری روستای کفشگیری پنداشت.



نگاه‌های تابع گرگان امروزی (مأخذ: Google Map)

کفشگیری و خانه‌های آن

کفشگیری در ۱۳ کیلومتری جنوب غرب گرگان قرار گرفته و در دوره قاجاریه محل رفت‌وآمد و گاه سکونت اعیان قاجار^۱ بوده است. کفشگیری از دهات سدن‌رستاق است^۲ و از شرق به روستای اسپومحله، از غرب به روستای سرکلاته و از جنوب به تپه گرانکوه متصل شده و قدمت سکونت گاه کنونی به حدود چهار سده پیش می‌رسد.^۳ چند سنگ مزار متعلق به طایفه کفشگر در گورستان روشن‌آباد، دهنه محمدآباد کتول، کفشگیری و مخصوصاً شמושک وجود دارد که به‌علاوه با استناد به اسناد تاریخی، وقف‌نامه‌ها و اسناد تملک اراضی منطقه

می‌توان بر این امر صحنه نهاد که روستای کفشگیری فعلی نام اصلی‌اش کفشگر (کفشگری) و تیول همین طایفه یاد شده بود.^۴ کفشگرها قوم بزرگی بوده‌اند که در زمان تیموریان به این منطقه آمده‌اند.^۵ اهالی معتقدند نام روستا «کوه‌شیری»^۶ بوده که «کوشیری» (kusiri) تلفظ می‌شده؛ در اشاره به تپه گران‌کوه که در جنوب روستا قرار داشته و تصویر شیر را تداعی می‌کرده است.^۷ برخی نیز معتقدند به سبب رنگ این تپه که شیری است آنرا «کوه شیری» می‌گفتند؛ که در تداول به کفشگیری تبدیل شده است. به عبور جاده اصلی از کنار روستا و وجود استراحت‌گاه و بازار نیز اشاره شده که ساکنان روستاهای اطراف نام آن را «کفشگیری»، یعنی در مسیر تهیه کفش نهاده‌اند.^۸

۶. آن تپه هست. شبیه شیر بوده که به آن کوه شیری می‌گفتند. اهالی روستای کفشگیری. گفت‌وگوی شخصی با نویسنده. اردیبهشت ۱۳۹۵.

۷. سیمای فرهنگی روستای کفشگیری-امید کابلی.

۸. وبلاگ علی رایج با نام www.gatchal.blogfa.com به اقتضای محدودیت مقاله ذکر سایر روایت‌ها امکان‌پذیر نیست.

۱. محمد باقر خان سردار رفیع پانه‌سری که والی استرآباد بوده در این روستا خانه‌ای داشته است.

۲. نجبه سیفی. به نقل از گرگان سرزمین طلای سفید. ص ۵۸.

۳. سیمای فرهنگی روستای کفشگیری-امید کابلی.

۴. معطوفی، سنگ‌مزارها و کتیبه‌های تاریخی گرگان و استرآباد.

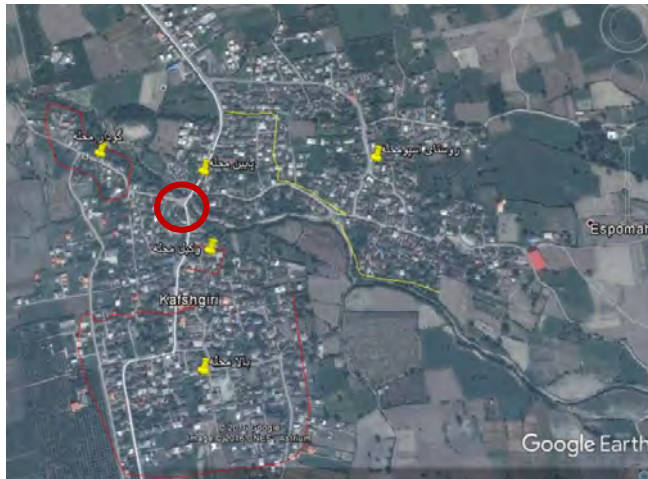
۵. همان.

کشفگیری با وسعتی حدود ۴ کیلومتر مربع در ۵ کیلومتری جنگل و ۲۵ کیلومتری دریا واقع شده؛ این روستا بسیار به مرکزیت استرآباد نزدیک بوده و شرایط طبیعی‌اش را می‌توان تا حدود زیادی منطبق بر خصوصیات استرآباد دانست. «هوای استرآباد بواسطه مجاورت بحر خزر و احاطه جنگل‌ها متعفن و سوزان است. در فصل تابستان هوا به طوری مرطوبی و خفه و غیر سالم است که خوابیدن زیر هوا به واسطه شبنم غیرممکن است و باید زیر «نفار»^۲ خوابید». ^۳بادهای منطقه شدید است ^۴و روستا روی گسل خزر^۵ قرار دارد (ت). (۱).

میرزا ابراهیم که در سفر به مناطق حاشیه خزر یادداشت‌های روزانه‌اش را برای ژنرال دُرَن نوشته (۱۲۷۷ تا ۱۲۸۶)، به کشفگیری نیز اشاره‌ای دارد: «قریه کشفگیری در جمع بلوک سدن‌رستاق است. خریداری و ملک رحیم‌خان هزارجریبی است که عمارات رحیم‌خان همه سفال‌پوش است و یک باب مسجد و یک باب تکیه و یک باب حمام و یک درخت سرو و دویت و نود خانه‌وار در کشفگیری است و سه در دکان هم دارد و در دیوان‌خانه رحیم‌خان هفت درخت چنار و حوض آب دارد. {...} و [راه از کشفگیری] به شهر استرآباد دو فرسخ {...} است».^۱

۳. نخبه سیفیه. به نقل از گرگان سرزمین طلای سفید. ص ۴۷.
۴. در مبحث ششم مقررات ملی ساختمان (بارهای وارد بر ساختمان) در جدول ۶-۱ برای ایستگاه گرگان چنین آمده است: سرعت مبنای باد (V) ۸۰ کیلومتر بر ساعت و فشار مبنای (q) ۳۲/۰ دکانیوتن بر متر مربع.
۵. عباس مهدویان. «پهنه‌بندی لرزه‌ای استان گلستان» در علوم زمین. شماره ۸۹ (پاییز ۹۲). ص ۱۶۵-۱۷۴.

۱. گلزاری، مسعود. سفرنامه گیلان و مازندران و استرآباد. صص ۴۵ و ۴۶.
۲. نفار یا نپار nefar, nepar بالاخانه‌ای چوبین که حصار آن باز، اما دارای چوب‌هایی به صورت ضربدر بوده و به وسیله نردبان یا پله‌های گلی به آنجا راه است و برای استراحت تابستانی روستائیان، ذخیره مواد غذایی و چیزهای دیگر درست می‌کنند. {...} نپار را اصولاً در کنار هر خانه و مزرعه می‌سازند. واژه‌نامه مازندرانی. ص ۲۵۷.



ت. ۲. بافت روستای کفشگری و محلات آن. خانهٔ اسلامی در منتهی الیه سمت چپ (پیداست).

قدیمی‌ترین خانه‌های موجود روستا معرف شکل سنتی خانه در کفشگری است. ده خانهٔ ساخته شده به روش سنتی (متعلق به دورهٔ پهلوی اول و دوم) بررسی شد؛ خانهٔ حسین اسلامی، حجت اسلامی، علی مهاجر بادکوبه، حیدرعلی کیاپور، اصغر زال‌آقایی، حاج محمدعلی اصفهانی، عباس جانی‌نژاد، جبار شهریاری، علی کابلی، قاسم رویانی. از میان این موارد خانهٔ حسین اسلامی به‌منزله نمونه انتخاب شد (ت. ۲).

الف. خانهٔ دیروز

مشاهدهٔ نمونه خانه‌های سنتی، حاکی از شباهت زیاد این خانه‌هاست به صورتی

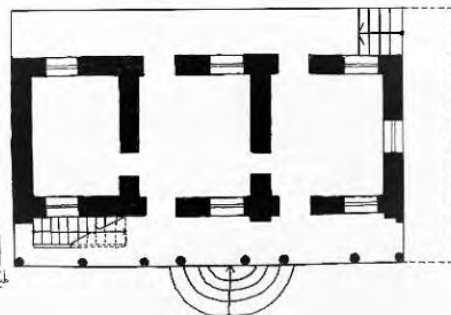
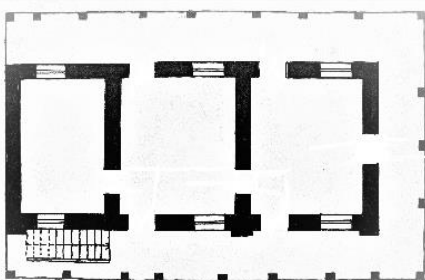
که می‌توان از آن به تسامح با عنوان الگو یاد کرد. نقشهٔ اغلب خانه‌های کفشگری مستطیلی است که از دو یا سه اتاق تشکیل می‌شود. اتاق‌ها مستطیل‌هایی با مساحتی حدود ۱۲ مترمربع است (با چشم‌پوشی از تفاوت‌های جزئی). جناح غربی بسته و بازوها شمالی - جنوبی است. بنا از سطح زمین فاصله می‌گیرد و در دو آشکوب ساخته می‌شود. پلکانی در گوشه‌ای از ایوان راه ورود به طبقهٔ دوم است. بام شیب‌دار (چهارطرفه و گاهی دوطرفه) و سفالی است. مجموعهٔ دیوار خشتی باربر و ستون‌های روی ایوان نظام سازه‌ای بناست (ت. ۳).



ت. ۳. خانه اسلامی: سه بُعْدی (راست) و نمای خانه (چپ)

مجموعه و نیز سبک زندگی جدید به تبع آن، احساس عدم امنیت به علت رفت و آمد وسایط نقلیه از کنار جاده، توطئه ارباب وقت و ملازمانش (به‌خاطر حفظ زمین‌های خود)، مخالفت با رژیم شاهنشاهی، تبلیغات حزب توده عنوان کرده‌اند (رایج، ۱۳۹۵). شاید از جمله پی‌آمدهای ساخت این مجموعه مسکونی، افزایش سطح زیر ساخت و رشد بافت روستا به سمت جاده‌های متصل به شهر بوده است.

است نزدیک به مربع، پلان کلی بنا مستطیلی است طویل (ت. ۴). قرار گرفتن اتاق‌ها بر یک محور و در یک لایه حاکی از نیاز به کوران هوا در جهت باد مطلوب است؛ چنان‌که بازشوهای روبه‌روی هم. جهت غربی بنا با توجه به آفتاب طولانی بعد از ظهر تابستان و کج باران‌های منطقه مسدود است. قابل ذکر است در دوره پهلوی اول مجموعه‌ای مسکونی در کفشگری ساخته شد که مطابق این الگوی شناخته‌شده نبود و در میان اهالی نیز محبوبیتی نیافت. برخی علت این عدم



عوامل اقلیمی در شکل‌گیری این محور نقش مهمی دارد. به علاوه، سازماندهی خطی به علت ویژگی طولی خود می‌تواند باز نماینده جهت و امتداد باشد. در راستای این محور، اتاق‌ها را به صورت فضاهای تکرارشونده‌ای با مدول مربع و مستطیل شاهدیم، به گونه‌ای که در ابعاد و تناسبات اتاق‌ها تفاوت چشمگیری دیده نمی‌شود (ت. ۴ و ۵). به نظر می‌رسد که همین مسئله انعطاف در کاربری را پدید آورده باشد. پس از ازدواج فرزندان نیز، خانواده جدید در یکی از این اتاق‌ها ساکن می‌شد. اتاق‌ها به واسطه درهایی به روی هم گشوده می‌شوند.



ت. ۵. ایوان و اتاق‌ها با محور شرقی - غربی و رو به جنوب و پلکانی که به آن راه می‌برد. (مأخذ: نگارنده)

کوب اول (راست) و آشکوب دوم (چپ) (مأخذ: نگارنده)

کفشگیری منفرد بوده و با محوطه‌اش که طولیله، انباری و باغچه‌های متعدد را در بر می‌گرفته تعریف می‌شده است (مهدی‌کندی، ۱۱۲-۱۱۱). قبل از تداول دیوار، محوطه خانه‌ها با چپر از هم جدا

(راست) و آشکوب دوم (چپ) (مأخذ: نگارنده)

فضای شفاف‌ی دیده می‌شود که با ستون‌های روی ایوان بنا تعریف شده است (ت. ۳ و ۴). ایوان یکی از اجزای اصلی خانه بومی بوده و ارزش کارکردی آن تقریباً هم‌تراز با اتاق‌های خانه است چرا که این فضا در عین برخورداری از سقف و در امان بودن از بارش باران، در معرض هوای تازه و کوران است و در فصل‌هایی از سال، فعالیت‌هایی از قبیل آشپزی و پذیرایی از مهمان در ایوان انجام می‌شود. ایوان‌ها پیوستگی دید و تداوم فضایی ایجاد می‌کرده و سلسله‌مراتبی در گذار از فضای باز به بسته پدید می‌آورده است.

در خانه‌های سنتی محور طولی بنا از

اجزای بسیار مهم است و اغلب خانه‌ها روی به سمت جنوب دارند. به نظر می‌رسد

برای مثال گاله یا گالی که برای پوشش سقف به کار می‌رفته است.^۱

۳. اجزا: اجزا و عناصر اصلی خانه‌های دیروز در روستای کفشگیری از این قرار است:

پی: نقشه بنا را بر روی زمین با خاکستر مشخص می‌کردند و از محل دیوارها زمین را با عرضی بیشتر از عرض دیوار حفر می‌کردند. در گودال ایجاد شده سنگ‌های رودخانه‌ای را با ملات گل (در مواردی ترکیب با آهک) به کار می‌بردند.

کرسی چینی و دیوار: کرسی چینی یا به تعبیر استاد حیدر «سنگ‌چین» با ارتفاع ۸۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر ساخته می‌شده است. دیوار با ضخامت حدود ۵۵ سانتی‌متر شروع و در طبقه دوم به ۴۵ سانتی‌متر می‌رسیده است.



به نظر می‌رسد درامان ماندن در زمستان در هنگام جابه‌جاشدن بین اتاق‌ها علت این تصمیم بوده است.

۲. **ساخت‌مایه:** اهالی ساخت‌مایه طبیعی و در دسترس را در فرایندهایی به مصالح مورد نیاز تبدیل می‌کرده‌اند. فقط در مورد خاک زردرنگ روستای کلاجان قاجار و سفال (از گرگان) از این قاعده عدول شده است. پی خانه‌ها سنگی است. در حفره‌ای قطعات سنگ رودخانه‌ای را با ملات گل به هم پیوند می‌دادند. از کاه گل برای پوشاندن سطوح خارجی دیوار و نیز کف بنا استفاده می‌کردند. سبک بودن چوب و قابلیت بالای جذب انرژی آن را به گزینه مناسبی برای ساخت بنا تبدیل کرده است. دسته‌ای دیگر از مصالح نیز در ساخت بنا کاربرد دارند که فرآورده‌های گیاهی هستند؛



۱. استاد حیدر معتقد بود ساخت مجموعه خانه‌ها در دوره پهلوی اول برای مقابله با خطر آتش‌سوزی سقف‌های گالی پوش بوده است.

پلورها قرار می‌گرفت. یال‌های مورب خریا (هلا) روی سقف دوم و بر روی ستون‌های کوتاهی (کالپا) قرار داده می‌شد تا نمایان‌های برای شیب بام به دست آید (ت).

(۷). بر روی هلا، تخته‌های چوبی به عرض تقریباً ۲۰ سانتی‌متر قرار می‌گرفته که بر روی آن، تخته‌های چوبی با عرض تقریباً ۱۰ سانتی‌متر قرار می‌دادند که قیش نامیده می‌شد. بر روی قیش نیز سفال‌های بام چیده می‌شده است.

نه (راست)؛ خشت و گِل به عنوان ساخته‌مایه اصلی (چپ) (مأخذ: نگارنده)

بعد از اتمام دیوارچینی، تیر را روی طول دیوار قرار می‌دادند. این تیر را «نعل» یا «نال» می‌گویند. روی نال‌ها و در جهت مخالف تیرهای فرعی را در دهانه‌های ۴۵ تا ۵۰ سانتی‌متری قرار می‌دادند که به آن پلور می‌گویند (ت. ۶). تخته‌های چوبی‌ای به عرض تقریباً بیست سانتی‌متر روی این



ت. ۷. اجزای سازه‌ای و طرز قرارگیری سقف روی آن (مأخذ: نگارنده)



بام: بام سازه‌ها شیب‌دار چهارضلعی و در مواردی دوطرفه ساخته می‌شده است. سازه با ادعان به اینکه طراحی امروزی نظام سازه‌ای بر فنون سنتی منطبق نخواهد شد؛ اما برای درک بهتر رفتار

شکل‌های دائمی شده و ناراست به نظر می‌رسند. به عبارت دیگر، تعامل دو نظام باربر مصالح بنایی و تیر و ستون چوبی، سازه بنا را تشکیل می‌دهد. این رفتار خصوصاً وقتی سازه در نقطه اتصال تیرها و ستون‌ها امکان بازی دارد، در کل رفتاری شبیه تاروپود یک بافته را از خود نشان می‌دهد؛ رفتاری سیال‌تر و منعطف‌تر (ت. ۷). سازه فعلی مشابه ترکیبی از دو سیستم دیوار باربر و تیر و ستون (چوبی) روی ایوان بناست و به نظر می‌رسد نحوی که بخش‌های اصلی سازه (اولاً اتصال نال و دیوار و ثانیاً ستون و خرپای بام و در نهایت هماهنگی بین این دو نظام سازه‌ای) به هم متصل می‌شوند، بیشترین اهمیت را در ایستایی بنا داشته است.

سازه این خانه‌ها می‌توان به نحوی از همان قوانین بهره برد. سازه این خانه‌ها را نمی‌توان کاملاً قابی دانست چرا که عنصر باربر قائمی در دیوارها وجود ندارد؛ ستون‌ها را فقط در ایوان شاهدیم. این خانه‌ها در زمره ساختمان‌های خشتی کلاف شده نیز قرار نمی‌گیرند چرا که فقط کلاف‌های افقی (نال) به کاررفته است و کلاف قائمی در بنا دیده نمی‌شود. شاید برای تعیین نوع سازه این آثار باید از ترکیب دیوارهای باربر با مصالح بنایی، نال‌ها و ستون‌هایی که تکیه‌گاه خرپای بام هستند اشاره کرد. به نظر می‌رسد دیرپایی این خانه‌ها را باید بیشتر در نوع مصالح و سازه منعطف آنها دانست. ساخت مایه‌ها و مصالح خانه‌های سنتی کفشگیری (خشت و چوب) در قیاس با سنگ و تیرآهن (به تعبیری، مصالح متأخر) در برابر فشارها رفتار متفاوتی دارد؛ پنداری به جای مقاومت از خود انعطاف نشان می‌دهد و نیروها را جذب و از طریق استهلاک انرژی آنها را دفع می‌کند. به همین علت است که در درازمدت اجزای بنا (قطعات چوبی و دیوارهای خشتی) دچار تغییر

ب. خانه امروز

چنان‌که ذکر شد مدتی است خانه‌های کفشگیری از شکل سنتی خود فاصله گرفته‌اند. تغییرات واضحی در کالبد بنا هویدا است که خود می‌تواند نشانی از تغییر در نحوه نگرش روستائیان به مفهوم خانه و نوع تعامل با آن (هم در مرحله ساخت و هم در زمان سکونت) باشد. این دگرگونی منحصر به کفشگیری نیست و در اغلب مناطق حاشیه خزر به دیده می‌آید. «بسیاری از دهقانان گیلانی در طی

دهه‌های اخیر خانه سنتی خود را ترک کرده‌اند (نه به این علت که در اثر فرسایش و گذشت زمان خانه‌هایشان مخروبه شده باشد؛ بلکه به این امید که به نشانه‌هایی از زندگی جدید و به ارتقای اجتماعی دست یابند و به این منظور است که به ساختن خانه‌های سیمانی و یا با بلوک‌های سیمانی توخالی اقدام می‌کنند؛ زیرا این نوع خانه آنها را از کار ترمیم بی نیاز می‌سازد.» (پرومپژه، ۱۳۷۰، ۷۷)

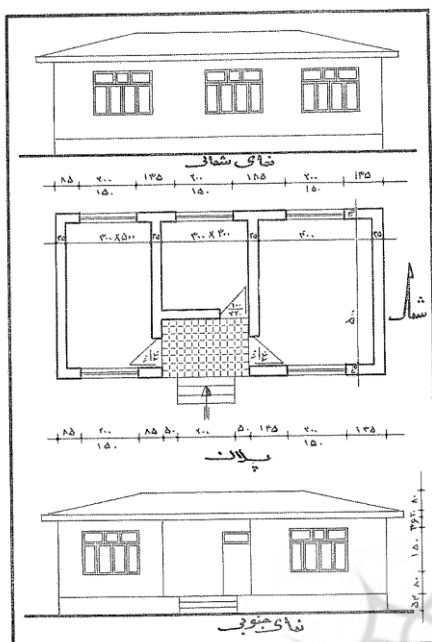


ت. ۸ نمونه‌هایی از خانه‌های جدید در کفشگیری و ایوان ورودی در آن (مأخذ: نگارنده)

۱. **مجموعه خانه:** به نظر می‌رسد برخلاف خانه‌های سنتی که در یک محور و به صورت تک‌لایه سازماندهی می‌شده، خانه‌های جدید از نوعی ساماندهی مجموعه‌ای^۱ پیروی می‌کند. نقطه مرکزی

این مجموعه، ایوان کوچک بناست که محل ورود به خانه است (ت. ۸). این ایوان تنها همین خصوصیت را از نیای خود به ارث برده و سایر خصائص آن از

۱. به تسامح در خصوص نحوه چینش فضاها.



ت. ۹ نقشه الگو در خانه‌های جدید در مازندران شرقی
(ماخذ: مهدی کندی، ۱۳۵)

آجر چهارگوش با اندازه $۵ \times ۲۰ \times ۲۰$ سانتی‌متر در روستا متداول می‌شود؛ که به تدریج جای خود را به آجر گری یا قزاقی می‌دهد. در دهه‌های اخیر کاربرد سیمان گسترش یافته است. می‌توان بخش‌های اضافه شده با سیمان را در برخی بخش‌ها از جمله پله‌های کف حیاط به طبقه اول و همچنین پوشش کرسی چینی مشاهده

او هم کالبد و هم شیوه‌های ساخت خانه، کهنه، بی‌بهره از هوش و نیز نامنتاسب با زندگی امروز است و باید به سرعت تغییر کند.

جمله، کشیدگی، ستون‌ها و پلکان چوبی را وا گذاشته است. در عوض، فضاهای جدیدی از قبیل آشپزخانه (و در مواردی حمام) به خانه اضافه شده است. این دو کاربری جدید در داخل مجموعه و به صورت تک اتاقی چسبیده به سایر اتاق‌ها ساخته می‌شود. دست‌شویی اما در بیرون بنا و در گوشه‌ای از حیاط قرار دارد. برای نشان دادن نمونه‌ای از خانه‌های جدید، از نقشه‌ای استفاده شده که در نظری به روستاهای مازندران ترسیم شده و نمونه‌های آن را می‌توان در کفشگیری نیز دید (ت. ۹). این کتاب در اواخر دهه ۴۰ شمسی نوشته شده و نگارنده آن وضعیت طبیعی و اجتماعی روستاهای مازندران وقت (که شامل گلستان فعلی هم می‌شده) را بررسی کرده و به دنبال ایجاد تغییری در خانه‌های روستایی بوده که از قضا در دهه‌های بعدی در این روستاها رخ داده است.^۱

۲. ساخت‌مایه: با ورود مصالح جدید،

۱. نک: نظری به روستاهای مازندران (۱۳۴۹). م. مهدی کندی. نویسنده در جای‌جای کتاب، روستائیان را افرادی «نادان» و دچار «بی‌کاری فکری و بدنی» توصیف کرده که توان تشخیص صلاح ندارند. از نظر

کرد.

در خانه‌های جدید از قطعات فولادی (در تیرها و تیرچه‌ها) و نیز ورق‌های حلبی (پوشش بام) استفاده شده است (ت ۱۰).^۱ امری که در گذشته معمول نبوده است.^۲ به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی (خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی) را باید یکی از محرک‌های اصلی در تداول این ساخت مایه‌ها دانست. «طی سال‌های اخیر، جاده‌های ارتباطی تحول بزرگی در روستاها ایجاد نمود، و بطوری که اخیراً استفاده از آجر، بتن، پروفیل، ورق شیروانی و شیشه رواج کلی یافته است.» (مهدی‌کندی، ۱۳۴) برخی از تغییر نگرش‌ها نیز ناشی از اطمینان بیشتر به آورده‌های شهر نسبت به مصالح بوم‌آورد^۳ اجزا: اجزای اصلی خانه‌های جدید عبارت است از:

اجزای خانه‌های جدید عبارت از سه اتاق مستطیل‌شکل است که در جلوی اتاق میانی، ایوان کوچکی وجود دارد که

روستاست. چنان‌که عده‌ای از اهالی سقف حلبی را بهتر از سقف سفالی می‌دانند چرا که مثل سفال نیاز به تعمیر مداوم ندارد. در صورتی که این سقف‌ها، گرمای حاصل از تابش خورشید و صدای بارش قطرات باران را انتقال می‌دهند چرا که تخلخل موجود در زیر سقف سفالی در این سقف‌ها وجود ندارد.



ت ۱۰. مصالح جدید در خانه‌های متأخر (مأخذ: نگارنده) نقطه مکث و تقسیم‌کننده ورود به اتاق‌های بنا است. درهای هر سه اتاق در این ایوان باز می‌شود (ت. ۹). «دیوار این خانه‌ها از آجر و ملات ماسه سیمان و سقف آن از خرپای چوبی و ورق شیروانی

۲. «در عمرش آهن بود. چیزی که هست این است که معروف نبود آهن درست کنی. پول می‌خواهد بابا» الماسی. گفت‌وگوی شخصی با نویسنده. اردیبهشت

۱. برومبژه تغییرات مشابهی را در روستاهای گیلان رصد کرده است. نک: برومبژه، مسکن و معماری، ص ۷۷.

جنوبی ساخته می‌شود به اندازه کافی پنجره نصب گردیده و اتاق‌ها کاملاً روشن است و از نور کافی بهره می‌گیرد. معمولاً یکی از اتاق‌ها با بهترین فرش خانه فرش می‌شود و برای مهمانان اختصاص می‌یابد. در یکی دیگر از اتاق‌ها همه خانواده زندگی می‌کنند و در اتاقک کوچک هم وسایل خانه انبار می‌شود یا آشپزی خانه در آنجا صورت می‌گیرد.» (مهدی‌کندی، ۱۳۴۹، ۱۳۷)



ت. ۱۱ ایوان و اتاق در خانه‌های جدید (مأخذ: نگارنده)
ساخته می‌شود. شیب بام خیلی کمتر از شیب خانه‌های قدیمی است. تقریباً مصالح این ساختمان‌ها از شهر به ده حمل می‌شود. در این خانه‌ها که اغلب شمالی-



ت. ۱۲ ترکیب دو نظام دیوار باربر آجری و نال و خربای چوبی سقف (مأخذ: نگارنده)

ورق حلی و در موارد متأخر ورق‌های ایرانیت قرار دارد. روش‌ها و ابزار نوینی مثل طاق ضربی نیز در مواردی استفاده شده است (ت. ۱۰ و ۱۲).^۱

۴. سازه: خانه‌های جدید روستا عمدتاً دیواری با مصالح بنایی دارد. بر روی دیوار نال چوبی به منزله کلاف افقی قرار می‌گیرد. خربای بام عمدتاً چوبی (و در موارد معدودی فلزی) است. بر روی بام

است. ساوری. گفت‌وگوی شخصی با نویسنده. شهریور ماه ۹۵.

۱. «سبک امروزی»؛ آقای ساوری اشاره می‌کند که با مهاجرت به گرگان (۱۳۴۳ شمسی) این فن را آموخته

مقایسه خانه‌ها

مصالح بوده (جدول ۱) که در نگاه اول،

نظر مخاطب را به کالبد جلب می‌کند اما در پسِ صورتِ ظاهر، همچنان نمادهایی آشنا از خانه‌های اهالی کفشگیری وجود دارد. برای مثال بام همچنان شیب‌دار است و به نظر می‌رسد شیب بام علاوه بر کارکرد، واجد معنای عمیق‌تری از خانه در کفشگیری است.

علی‌رغم تغییرهایی که رخ داده، خانه‌های جدید همچنان شباهت‌های بسیاری با نمونه‌های قدیمی‌تر نشان می‌دهند. «مثلاً بنا را همچنان کرسی بلند می‌سازند و بام، هر چند ارتفاع آن کوتاه‌تر شده است، هنوز هم چهار شیبیه است.» (برومبرزه، ۱۳۷۰، ۱۵۸-۱۶۳) به نظر می‌رسد عمده تغییرات به وجود آمده در تعداد طبقات و نیز

جدول ۱. مقایسه خانه‌های کفشگیری (مأخذ: نگارنده)

مؤلفه‌های خانه	دیروز	امروز
جانمایی اتاق‌ها	محوری و غالباً رو به جنوب	مجموعه‌ای و غالباً رو به جنوب
ارتباط با محیط	برونگرا و در میان محوطه‌ای بزرگ	برونگرا و در حیاطی محدود به دیوار
تعداد طبقات	اغلب دوطبقه	یک طبقه
اتاق‌ها	مجزا، منعطف و بدون کاربری تعریف‌شده	مجزا با کاربری متفاوت
آشپزخانه و حمام	ندارد	آشپزخانه دارد؛ اما در اغلب موارد حمام ندارد
دست‌شویی	در گوشه‌ای از حیاط	در گوشه‌ای از حیاط
پنجره	کوچک و با قاب چوبی	بزرگ و با قاب چوبی و در نمونه‌های جدیدتر، قاب آلومینیومی
ایوان	مطول در پیشان بنا	کوچک در ورودی بنا
ارتباط با زمین	بر روی کرسی	بر روی کرسی
بام	شیب‌دار چهار یا دوطرفه سفالی - شیب زیاد	شیب‌دار دوطرفه با ورق حلبی - شیب کم
ارتفاع بنا	یک یا دوطبقه (دیوار خشتی یا آجری)	یک طبقه (دیوار آجری)
سازه	دیوار باربر - نال - پلور و ستون چوبی روی ایوان	دیوار باربر - نال و پلور و در مواردی طاق ضربی

پوشش دیوار	کاهگل	گچ
تزیینات	برش اجزای چوبی (نرده و سرستون) و کاهگل سطح دیوار	سطح گچی طاقچه‌ها
مواد و مصالح	طبیعی، عموماً بوم‌آورد و فرآورده سنتی (خشت و چوب)	عمدتاً صنعتی و آورده شهر (سیمان- ورق حلبی- فولاد)

بحثی در تاریخ و علت این دگرگونی‌ها

بررسی علل دگرگونی‌های پدیدآمده تنها از راه تأمل در معماری میسر نیست. در این تحقیق سعی بر آن بوده تا به شیوه زندگی ساکنین کفشگری (و نگاه به موضوع «خانه») نزدیک شویم چرا که به نظر می‌رسد این شیوه زیست (و این نحو تفکر) چنین تغییراتی را در خانه ایجاد کرده است.

۱. تبعات اصلاحات ارضی

۱.۱. کاهش اراضی زیر کشت^۱: تأمل در دگرگونی معماری روستایی نگاه‌ها را متوجه نحوی از تحول در شیوه زندگی روستائیان می‌کند (حجت، ۱۳۸۵) و

(ضیدایی و قاسمیان، ۱۳۹۱). چنان که در مقدمه مقاله ذکر شد، روستا از مصدر رستن و رویدن، پیوند عمیقی با محیط طبیعی داشته و ساز کار معیشت روستائیان بر پایه زمین و از طریق کشاورزی بوده که مجموع این علت‌ها نشانی گویا از نقش تولیدی روستاست. اما به نظر می‌رسد با وقوع اصلاحات ارضی و قطعه‌قطعه شدن زمین، سامان امور مربوط به کشاورزی از هم پاشید و سطح زیر کشت کاهش یافت.^۲

۲.۱. مهاجرت به شهر: با قطعه‌قطعه شدن اراضی، میزان محصول تولیدی کاهش یافت. این امر یکی از عوامل بروز بیکاری

۱. لاسمی‌پور و همکاران معتقدند به علت سودآوری اندک فعالیت کشاورزی، تغییر کاربری اراضی و فروش آن دور از انتظار نیست. نک: «عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری خزش روستایی در ناحیه چمستان، مطالعه موردی: شهرستان نور، استان مازندران»

۲. «در سال ۱۳۵۳ ش ایران از نظر کشاورزی رسماً ورشکسته اعلام شد.» (امامی خویی و ضیایی- اصلاحات ارضی و تأثیرات اقتصادی آن بر جامعه کشاورزی ایران)

و به تبع آن مهاجرت روستائیان به شهر بود. محققان بسیاری این موضوع را از منظرهای گوناگون کاویده‌اند که می‌توان عصاره این بررسی‌ها در خصوص رشد و به تبع آن مهاجرت روستائیان به شهر جدول زیر (که تغییر چشمگیری را در نسبت جمعیت روستایی و شهری نشان می‌دهد) مشاهده کرد.

جدول ۲. رشد جمعیت در ایران (۱۳۰۵-۱۳۵۵) (مأخذ: امامی خویی و ضیایی)

سال	جمعیت شهری		جمعیت روستایی		جمعیت کل کشور	
	میلیون	درصد	میلیون	درصد	میلیون	درصد
۱۳۰۵	۱.۴۹	۲۱	۹.۳۷	۷۹	۱۱.۸۶	۱۰۰
۱۳۱۵	۲.۹۳	۲۱	۱۰.۷۹	۷۹	۱۳.۷۲	۱۰۰
۱۳۲۵	۴.۱۳	۲۶	۱۱.۸۰	۷۴	۱۵.۹۳	۱۰۰
۱۳۳۵	۵.۹۶	۳۱	۱۳	۶۹	۱۸.۹۶	۱۰۰
۱۳۴۵	۹.۷۹	۳۸	۱۶	۶۲	۲۵.۷۹	۱۰۰
۱۳۵۵	۱۵.۸۰	۴۷	۱۷.۹۰	۵۳	۳۳.۷۰	۱۰۰

داشته است.

۲. تغییر شیوه زیست

۱.۲. بروز تمناهای جدید در میان روستائیان: در اغلب موارد نسل جدید روستائیان راه گذشتگان را ادامه نداده و به نظر می‌رسد به نحوی مجذوب فرهنگ شهری شده؛ «فرهنگی که مصرف کردن ویژگی اصلی آن است.» (صیدایی و قاسمیان) مصرف‌گرایی^۱ که نقش تاریخی روستا در تولید را کنار زده و نتیجتاً تعدی به عرصه کشاورزی را در پی

۲.۲. افول ارزش کار یدی و تداول اقتصاد توریستی (فرهادی، ۱۳۹۰): «به دلیل تغییر تدریجی در ساختار اقتصادی» (صیدایی و قاسمیان)؛ لزوم ساخت انباری و طویله از میان رفته؛ «خانه‌های روستایی تا دوره پیشامدرن مبتنی بر کارکرد بود و توجه به هریک از قسمت‌های خانه بر اساس نقشی بود که در فرآیند کار بازی می‌کرد» (صیدایی و قاسمیان)، اما امروز

۱ «ستایش دائمی از اشیا». نک: ژان بودریار. جامعه

مصرفی. ترجمه پیروز ایزدی.

با ورود غیربومیان به روستا، خانه‌های دوم رواجی گسترده یافته و اغلب اهالی روستا در فکر استفاده از منابع مالی حاصل از ورود مسافران به روستا هستند.^۱

۳.۲. تغییر شکل خانواده: اکنون هر خانواده مایل است مستقل زندگی کند؛ خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای تغییر شکل داده‌است. این تحول مجموعه خانه روستایی را کوچک‌تر کرده است.

۳. منابع مالی

خاطرات روستائیان حاکی از این است که در گذشته، اهالی مرفه روستا، خانه‌ای با سقف سفالی داشته‌اند و به نحوی، سفال نشان‌دهنده تشخیص اقتصادی صاحب‌خانه بوده‌است. در مقابل افراد با توان مالی پایین‌تر، همچنان از ساخت‌مایه‌ای چون نی و گالی^۲ برای پوشش بام استفاده می‌کرده‌اند. پس از اصلاحات ارضی نیز (که به زعم نگارندگان مبدأ تغییرات تدریجی خانه‌های روستاست)، بنیه

اقتصادی همچنان مؤلفه‌ای اثرگذار بر انتخاب مواد و مصالح خانه بوده‌است. در این دوره، اهالی مرفه‌تر، پیش از سایرین، مصالح نوین و آورده‌های شهر را به خانه‌های خود راه داده‌اند. در نگاه اول تناقضی به دیده می‌آید؛ طبیعتاً توان مالی بیشتر باید به انتخاب مصالح گران‌تری چون چوب و سفال بینجامد نه آجر و ورق حلبی. تعمق در این موضوع جالب است چرا که به نظر می‌رسد این تناقض ظاهری را باید در پرتو نیاز روستائیان به اثبات اعتبار خود از طریق استفاده از مواد و مصالح جدید تعبیر کرد. نیازی که بازتابی از تمنای «پیشرفت» است اما غالباً درک معوجی از پیشرفت را نمایان می‌سازد. به نظر می‌رسد تأمل عمیق‌تر در این خصوص نیاز به درنگ در مفاهیم شهر، روستا و «دیگری» سازی ساکنان شهر (مرکز) از روستائیان (حاشیه) دارد.

۲. «قدیم گاله بود و سفال. هر کس پول داشت، سفال داشت. اگر نداشت گاله سر می‌کردند.» الماسی. گفت‌وگوی شخصی با نویسنده. دی ماه ۹۵.

۱ «می‌توان گفت اقتصاد توریستی جانشین اقتصاد روستائی گردیده‌است.» نظری به روستاهای مازندران. م. مهدی‌کندی. ص ۱۴۰. هرچند این مورد در کفشگیری چندان غلبه ندارد اما روندی از آن را در سایر روستا شاهدیم.

۴. دوگانه شهر- روستا

روستاییان اغلب در مناسبات قدرت جایی نداشته‌اند. حتی در موارد بسیاری حاکم روستا، خود در شهر زندگی می‌کرده‌است. برخی ساختارهای فرهنگی نیز در شکل گرفتن ایده برتری شهر مؤثر بوده؛ «در ادبیات منظوم ایران، بازتاب روستا و معماری روستایی در تقابل دوگانه‌های روستا و شهر، نه بر اساس ویژگی‌های خود آن، بلکه در راستای قدرت‌نمایی شهر بازنمایی شده است.» (عبادی و گودینی و گودینی، ۱۴۰۱) این بازنمایی برتری با توصیف داشته‌های شهر (یا به تعبیری فقدان‌های روستا) موضوعیت می‌یابد. به بیان دقیق‌تر، «ویژگی‌های معماری به مثابه ابزاری برای تصویرپردازی و نمادپردازی سلطه گفتمان شهر بر روستا بدل شده است.» (همان) به نظر می‌رسد، برتری مفروض شهر سبب ازخودبیگانگی روستاییان و پذیرش «دیگری» (یزدانی و رافعی، ۱۳۹۷) بودن از سوی آنان شده است.

با وقوع اصلاحات ارضی، تأثیر دوگانه شهر-روستا را می‌توان با شدت بیشتری مشاهده کرد. بی‌راه نیست اگر متصور شویم در پی تعامل بیشتر روستاییان با شهر، تعداد بیشتری نیز تحت تأثیر برتری شهر قرار گرفته، این الگوها را از شهر اخذ کرده و به روستا انتقال داده باشند. چرا که «مواجهه مخاطب» (روستایی) توأم با حیرت و بهت است و واژه‌هایی چون «ساده»، «حقیر» و ... برای توصیف معماری روستایی از جانب ساکنان شهر^۱ به کار می‌رود. به نظر می‌رسد روستاییان نیز پذیرفته‌اند که روستا شکل بدوی و شهر، صورت غایی زندگی اجتماعی است. به این ترتیب تحولی در کالبد خانه‌های روستایی پدید آمد که به نظر می‌رسد به سراغ اصول نیز رفته؛ برای مثال محور و کشیدگی پلان که در این اقلیم بسیار مهم بوده از خانه حذف شده است. طرفه اینکه خروج از چهارچوب روش‌های سنتی برای

طرد شد و معنای تولید روستایی به هم‌نشینی با گاو و گوسفند تقلیل یافت. (یزدانی و رافعی، ۱۳۹۷)

۱. «گفتمان شهری با بزرگ‌نمایی سادگی روستایی، به آن معنای جهل و نادانی داد؛ همچنانکه معنای صداقت

استاد کار روستایی^۱ نیز به منزله پیشرفت است.

نتیجه‌گیری

مشاهده خانه‌های سنتی و تعمق در آن شباهت‌های بسیاری را نشان می‌دهد؛ به لحاظ صوری و نیز فنون سازه‌ای. مجموعه این مشابَهت‌ها در قالب الگویی کلی تشریح و سپس اجزای بنا به تفکیک معرفی شد. روستای کفشگری بافتی پراکنده داشته و خانه‌های آن با محوطه اطرافش به صورت منفرد تعریف می‌شده است. همانند سایر مناطق مرطوب با بنایی کشیده مواجهیم که مجموعه اتاق‌ها بر روی یک محور و در دو آشکوب قرار گرفته است. بنا از زمین فاصله می‌گیرد و بام شیبدار است. اجزای اصلی بنا چنین است: پی، کرسی چینی، دیوار باربر ساخته شده با خشت یا آجر، نال، پلور، هلا، کالپا، ستون‌های چوبی روی ایوان و بام سفالی. تعامل دو نظام باربر (دیوار باربر و قاب تیر و ستون روی ایوان) سازه بنا را تشکیل می‌دهد.

خانه‌های جدید در یک طبقه و بر

باید متذکر بود که بخشی از این دگرگونی‌ها ناگزیر است و نمی‌توان شیوه زندگی گذشتگان را به اهالی امروز تحمیل کرد. با وجود این، دقت در این تغییرها واجب و ضروری است چرا که به نظر می‌رسد در نتیجه این تحولات، دانایی تاریخی اهالی مخدوش شده و آنان را به تبعیت و در واقع تقلید از الگوهای واداشته که در آن مکان ریشه ندارد و نتیجتاً اندازه اقتضائات آن نیست. از آنجا که مختصات طبیعی روستا تغییر چندانی نداشته تداوم زندگی در آن، اشراف و احاطه بر آن دانایی را اقتضا می‌کند یا دست کم دانشی می‌طلبد که پاسخ‌گوی نیازهای واقعی اهالی باشد، نه فرونشاندن عطش روزآمدبودن. چنان‌که نویسنده نظری به روستاهای مازندران از عدم استفاده روستائیان از فناوری‌های جدید در خانه‌هایشان شگفت‌زده بود و این عدم استفاده را به رخوت فکری و ساده‌اندیشی

نمی‌آید از این روش‌ها استفاده کند تو باید بروی دنبال شیوه‌های جدید.»

۱. از معمرین روستا: «تو چرا دنبال این چیزها می‌گردی؟ اینها که دیگر قدیمی شده، دیگر کسی

روی کرسی چینی ساخته می‌شود. نقشه بنا سه اتاق را در خود جای داده اما ایوان سراسری نمونه‌های سنتی تبدیل به فضای کوچکی شده که به منزله محل مکث و تقسیم ورودی به کار می‌رود. دیوار باربر است و بر روی آن از چوب به منزله کلاف افقی استفاده می‌شود. در نمونه‌های معدودی از طاق ضربی استفاده شده است. خربای سقف چوبی است و پوشش بام از ورق حلبی ساخته می‌شود. درها و پنجره‌ها از نمونه‌های سنتی بزرگ‌تر است و در مواردی چهارچوبی فلزی دارد. چنان که در تشریح نحوه انتقال بار در بناهای سنتی بر شمریم، بنا به گونه‌ای ساخته می‌شد که لایه لایه روی هم بلغزد و خود را از انهدام برهاند. از سوی دیگر الگوی طراحی معماری نیز منعطف است و در راستای تأمین نیازها پدید آمده است. لیکن به نظر می‌رسد مدتی است روستائیان دیگر آن انعطاف را به جا نمی‌آورند، لذا الگوهای شناخته شده و مناسب با احوال

خود را کنار گذاشته و به سوی ابداع و اخذ الگوهای جدیدی می‌روند که برای جامه عمل پوشاندن به آن نیاز به مصالح و ابزار جدید است و روستا را به شهر وابسته می‌کند.

از علت‌های چنین فراموشی‌ای شاید بتوان به اصلاحات ارضی و تبعات آن اشاره کرد. از هم پاشیدن شالوده نظام زمین‌داری و کشت و کار جامعه روستایی، بی‌کاری اهالی و مهاجرت آنان به شهرها را در پی داشت که در نهایت به تغییر شکل زندگی روستایی و افول ارزش کار یدی منجر شد. گسترده شدن دامنه نیازهای روستائیان و خواست آنان برای تغییر در نحوه زیست، میل اهالی به پیشرفت و قرار گرفتن تحت مقایسه دائمی با ساکنین شهرها نیز از عواملی است که در این مقاله به آنها اشاره شد. به نظر می‌رسد که مجموعه این عوامل روستائیان را به الگوبرداری از معماری شهری سوق داده است.

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان نامه/رساله: این مقاله مستخرج از رساله/پایان نامه نمی باشد.

منابع

- محیط روستا. شماره ۱۳۳، صص ۳-۱۴.
- امامی خویی، محمدتقی و نگس ضیایی. - ضیادایی، سید اسکندر و زری قاسمیان (پیاپی ۵- تابستان ۱۳۹۱). بررسی روند تغییرات کارکردی خانه‌های روستایی نمونه موردی: روستای گرجی محله- شهرستان بهشهر، استان مازندران: مجله علمی- تخصصی برنامه‌ریزی فضایی. سال دوم، شماره اول، صص ۸۷-۱۰۰.
- بودریار، ژان (۱۳۸۹). جامعه مصرفی. ترجمه پیروز ایزدی. تهران: ثالث.
- بهشتی، سیدمحمد (پائیز و زمستان ۹۵). خانه (از آغاز پهلوی اول تا دهه چهل شمسی): مطالعات معماری ایران، شماره ۱۰، صص ۲۲۹-۲۴۲.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۷۲). آشنایی با معماری مسکونی ایران گونه‌شناسی برون‌گرا. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- حجت، عیسی (تابستان ۱۳۸۵). تأثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران: هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۷۵-۸۴.
- سرتیپی‌پور، محسن (بهار ۱۳۹۰). پدیدارشناسی مسکن روستایی: مسکن و
- طالب، مهدی و حسین ایمانی جاجرمی و شاپور سلمانوندی (پاییز و زمستان ۱۳۹۴). مطالعه تحول تمشیت امور روستا از مهارگری تا تمرکز در دوران قبل از اصلاحات ارضی: توسعه محلی (روستایی- شهری)- دوره ۷، شماره ۲، صص ۱۹۹-۲۲۰.
- عبادی، هادی و جواد گودینی و یحیی محمدزاده گودینی (آذر ۱۴۰۱). نقش معماری در سلطه گفتمان شهری بر روستایی در ادبیات منظوم ایران: باغ نظر، شماره ۱۱۴، صص ۱۷-۲۶.
- عسگری رابری، اباصلت و شهاب عباس‌زاده و علی‌اصغر آبرون (پاییز ۱۳۹۶). ارزیابی تغییرات ساختاری مسکن و عرصه حیات در روستاها (مطالعه

- موردی: روستای ریاب- خراسان - کابلی، امید (زمستان ۱۳۹۶). سیمای رضوی: مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۹، صص ۳۵-۵۰.
- فرهادی، مرتضی (پائیز و زمستان ۱۳۹۰). فروهشتگی ده و کژبالشی شهر ایرانی (کاهندگی فرهنگ تولیدی و افزاینده‌گی فرهنگ مصرفی در ایران): پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، شماره ۲، صص ۷-۲۸.
- فاضل‌نیا، غریب و احمد تقدیسی و معصومه ملانوروزی (بهار ۱۳۹۵). بررسی تأثیر تغییرات الگوی مسکن در روستا- شهرها، مطالعه موردی روستا-شهر محمدآباد شهرستان زابل: فضای جغرافیایی، شماره ۵۳، صص ۱۵۱-۱۷۲.
- قنبری، یوسف. تحلیلی بر تغییر الگوی مساکن شمال ایران، نمونه موردی شهرستان تنکابن: مجموعه مقالات دومین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، جلد دوم، وزارت مسکن و شهرسازی، صص ۱۸۳-۱۹۱.
- قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۹۳). معماری چون مظهر فرهنگ: فصلنامه معماری و فرهنگ، سال پانزدهم، ش ۵۳، صص ۱۰ و ۱۱.
- کابلی، امید (زمستان ۱۳۹۶). سیمای فرهنگی روستای کفشگیری: فصل‌نامه اختصاصی مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره نهم.
- لاسمی‌پور، ربابه و عباس سعیدی و بیژن رحمانی (تابستان ۱۴۰۰). عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری خزش روستایی در ناحیه چمستان، مطالعه موردی: شهرستان نور، استان مازندران: فصلنامه جغرافیا، شماره ۶۹، صص ۱۹-۳۷.
- منصوری، محمدهادی و طاهره جعفری (بهار ۱۳۹۲). بررسی مردم‌شناختی تغییرات فرهنگی مسکن در کجور استان مازندران (مطالعه موردی روستای لرگان): مهندسی فرهنگی، شماره ۷۵، صص ۱۴۵-۱۲۷.
- مهدی‌کندی، م (۱۳۴۹). نظری به روستاهای مازندران. بی‌جا: بی‌نام.
- مهدویان، عباس (پاییز ۹۲). پهنه‌بندی لرزه‌ای استان گلستان: علوم زمین، شماره ۸۹، صص ۱۶۵-۱۷۴.
- یزدانی، سهراب و محمد رافعی (بهار و تابستان ۱۳۹۷). دو گانه روستا-شهر و سلطه گفتمان شهری؛ با نگاهی بر شعر

کلاسیک فارسی: پژوهش‌های علوم
تاریخی، سال ۱۰، شماره ۱، صص ۱۱۸-
۱۳۶.

- نجف‌زاده بارفروش، محمدباقر. واژه‌نامه
مازندرانی. نشر بلخ، وابسته به بنیاد نیشابور.
تهران: ۱۳۶۸.

- استرآبادی، محمد اسماعیل. نخبه سیفیه. به
نقل از گرگان سرزمین طلای سفید.
بی‌جا: ۱۳۴۶.

- گلزاری، مسعود. سفرنامه گیلان و
مازندران و استرآباد. بنیاد فرهنگ ایران.
تهران: ۱۳۵۵.

- معطوفی، اسدالله. پیشینه شهر تاریخی
جرجان. مختومقلی فراغی. بی‌جا: ۱۳۸۷.

- وبلاگ علی رایج در تاریخ ۱۵ بهمن
۱۳۹۵. www.gatchal.blogfa.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی